

عنوان مقاله:

بحران بوسنی و هرزگوین از منظر رئالیسم تهاجمی جان مرشایمر

محل انتشار:

سیزدهمین کنفرانس بین المللی علوم سیاسی، روابط بین الملل و تحول (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

وحید پرست تاش - دانشجوی دکتری روابط بی الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان

مهناز گودرزی - دانشیار گروه روابط بی الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان

مسعود جعفری نژاد - دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان

خلاصه مقاله:

در مورد ریشه ها و علل جنگ های خون بن منطقه بالکان در دهه ۱۹۹۰ میلادی مولفه های مختلفی قابل بحث و بررسی اند. متغیرهای داخلی مانند نابرابری اقوام در یوگسلاوی که عمدتاً به مثابه ریشه های ظهور ناسیونالیسم قومی و دینی طی پنجاه سال سلطه کمونیسم در یوگسلاوی سابق عمل کرده و متغیرهای خارجی نظیر تاثیرات ناشی از فروپاشی کمونیسم و تغییر ساختار نظام بین الملل به سود لیبرال دموکراسی که بر سرعت و شدت تحولات این منطقه افزود. در کانون بحران های منطقه بالکان، جنگ بوسنی و هرزگوین در خلال سال های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۵ موجب ارائه دیدگاه ها و نظرات مختلفی شد و جان مرشایمر در میانه سال های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ در قالب پنجمقاله به واکاوی بحران بوسنی و هرزگوین از منظر رئالیسم تهاجمی پرداخت و راه کارهایی برای پایان این بحران ارائه نمود. پژوهش حاضر دیدگاه های مرشایمر را در چارچوبه نظریه رئالیسم تهاجمی را در قالب یک مطالعه موردی برای بحران بوسنی و هرزگوین مورد واکاوی قرار داده و نتیجه می گیرد که اگرچه در ظاهر جنگ در کشور بوسنی و هرزگوین با توافقنامه صلح دیتون خاتمه یافته ولی این کشور با گذشت نزدیک به سی سال از پایان جنگ همچنان با بحران سیاسی و قومی پیچیده ای مواجه است که می تواند جنگی دیگر را در این کشور شعله ور سازد.

کلمات کلیدی:

رئالیسم تهاجمی، بوسنی و هرزگوین، بالکان، جان مرشایمر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2032545>

